



ÁEIN-E HOKMRANI (Scientific Journal on The Islamic Governance)
Vol.3 / No.6 / Autumn & Winter 2025
P-ISSN: 2980-7808
E-ISSN: 3092-7919
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

A New Reading of Sūrat al-A'rāf with Emphasis on the Governance Dimension in Social Life

BiBi Zeinab Hosseini

Associate Professor, Department of Theology Education, Faculty of Humanities, Farhangian University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding Author)
Email: z.hosseini@cfu.ac.ir

Qanbar Ali Roudgar

Associate Professor, Department of Theology Education, Faculty of Humanities, Farhangian University, Tehran, I.R.Iran
Email: gh.roudgar@cfu.ac.ir

Mohadeseh Hosseini Fahraji

M.A. in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Humanities, Farhangian University, Tehran, I.R.Iran
Email: mohadeseh.hoseyni@cfu.ac.ir



Citation

Hosseini, B Z, Roudgar, Q A and Hosseini Fahraji, M. (2025). A new reading of Surah Al-A'raf with an emphasis on the component of governance in social life. *Aeine Hokmrani*, 3(6), 43-74

[10.22034/ah.2025.2072986.1077](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2072986.1077)

Type of Article: Research Article

Received: 29 July 2025

Revised: 20 October 2025

Accepted: 31 October 2025

Publish Online: 22 December 2025

Abstract

Sūrat al-A'rāf, one of the seven long chapters of the Holy Qur'an, has been regarded by contemporary exegetes as a text whose concepts can be interpreted in relation to the theme of social life. Content analysis of this chapter, in addition to confirming this point, demonstrates that it places greater emphasis on the characteristics of a good ruler among the components of social life. Attention to the theme of social life and to governance as its most significant component can offer exegetes a different perspective on Sūrat al-A'rāf, particularly the verses concerning the people of al-A'rāf. Regarding the identity of the "people of al-A'rāf," various interpretations have been presented by both Shia and Sunni exegetes. Some exegetes have identified the people of al-A'rāf as prophets or righteous individuals, while others have regarded them as the guardians of Hell, angels, jinn, or children who have not reached maturity. Yet another group has interpreted them as a community whose good and bad deeds are equal. The understanding of this chapter through a structural exegetical approach can not only help determine the identity of the people of al-A'rāf, but also provide a new explanation for their position between the inhabitants of Hell and Paradise, as well as for their failure to enter Paradise. Historical semantics and the etymological analysis of the term "al-A'rāf" indicate that al-A'rāf refers to an elevated place upon which rulers stand. The people of al-A'rāf recognize the inhabitants of Paradise and Hell by their faces, grant permission to the people of Paradise to enter it, and reproach the inhabitants of Hell for their arrogance and denial. These verses are intrinsically connected to the overall structure of Sūrat al-A'rāf, as the chapter addresses the narratives of the prophets and their actions within society. In fact, the characteristics of a good ruler, as the most significant component of social life, can be identified within this sūrah. Content analysis of Sūrat al-A'rāf—particularly the verses concerning the people of al-A'rāf—reveals various indicators of a good ruler that can be applied to the characteristics of effective governance in social life. These indicators include interpersonal relations, compassion, decision-making, awareness, corruption control, and foresight.

Keywords

Social Life, Governance, "Aṣḥāb al-A'rāf", Ahl al-Bayt, Sūrat al-A'rāf.





دوفصلنامه علمی پژوهشی در حوزه حکمرانی اسلامی
سال سوم / شماره ۶ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴
P-ISSN: 2980-7808
E-ISSN: 3092-7919
<https://aeinehokmrani.iict.ac.ir>

خوانشی جدید از سوره أعراف با تأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

بی بی زینب حسینی

دانشیار گروه آموزش الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول)
z.hosseini@cfu.ac.ir

قنبرعلی رودگر

دانشیار گروه آموزش الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، جمهوری اسلامی ایران
gh.roodgar@cfu.ac.ir

محدثه حسینی فهرجی

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، جمهوری اسلامی ایران
mohadeseh.hoseyni@cfu.ac.ir



استناد به این مقاله:

حسینی، بی بی زینب و رودگر، قنبرعلی و حسینی فهرجی، محدثه (۱۴۰۴). خوانشی جدید از سوره أعراف با تأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی، نشریه آیین حکمرانی، ۳(۶)، ۴۳-۷۴
[10.22034/ah.2025.2072986.1077](https://doi.org/10.22034/ah.2025.2072986.1077)

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۸
تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

سوره أعراف، یکی از هفت سوره بلند قرآن کریم است. مفسران معاصر، موضوع حیات اجتماعی را به عنوان یک موضوع تفسیری قابل تطبیق بر مفاهیم این سوره دانسته اند. تحلیل محتوای این سوره افزون بر تأیید این مسئله، نشان می دهد در این سوره، بر ویژگی های حکمروای خوب از بین مؤلفه های حیات اجتماعی تأکید بیشتری شده است. توجه به موضوع حیات اجتماعی و مؤلفه حکمروایی به عنوان مهم ترین مؤلفه حیات اجتماعی، می تواند چهره متفاوتی از سوره أعراف، به ویژه آیه های مربوط به اعرافیان را به مفسر نشان دهد. درباره کیستی «اعرافیان» دیدگاه های گوناگونی از سوی مفسران شیعه و اهل سنت، ارائه شده است. برخی اعرافیان را انبیاء، صالحان، برخی دیگر ایشان را نگهبانان جهنم، ملانکه، جنیان، کودکان نابالغ و برخی دیگر ایشان را قومی دانسته اند که گناهان و اعمال نیک ایشان برابر است. فهم این سوره با روش تفسیر ساختاری افزون بر آنکه می تواند، مصداق اعرافیان را معین کند، می تواند تبیینی جدید، از دلیل وضعیت ایستادن اعرافیان در بین دوزخیان و بهشتیان و عدم ورود ایشان به بهشت ارائه دهد. معناشناسی تاریخی و ریشه شناسی واژه «أعراف» نشان می دهد که أعراف به معنای محل بلندی است که حاکمان بر آن قرار می گیرند. اعرافیان، بهشتیان و دوزخیان را از روی چهره به خوبی می شناسند و به بهشتیان اذن ورود به بهشت می دهند و دوزخیان را به سبب تکبر و انکارشان سرزنش می کنند. این آیه ها با کل سوره أعراف دارای ارتباط درونی است؛ چراکه در این سوره به داستان های انبیاء و اقدام های ایشان در جامعه پرداخته شده است. درواقع ویژگی های حکمروای خوب به عنوان مهم ترین مؤلفه حیات اجتماعی در این سوره قابل شناسایی است. تحلیل محتوای سوره أعراف - به ویژه آیات مربوط به اعرافیان - شاخص های گوناگونی از حکمروای خوب را نشان می دهد که قابل تطبیق بر ویژگی حکمروای خوب در حیات اجتماعی است. شاخص هایی مانند: روابط بین فردی، دلسوزی، تصمیم گیری، آگاهی، کنترل فساد و آینده نگاری.

واژگان کلیدی

حیات اجتماعی، حکمروایی، «أصحاب الأعراف»، اهل بیت علیهم السلام، سوره أعراف.

آیین حکمرانی

شماره ششم / پاییز و زمستان ۱۴۰۴



۱. بیان مسئله

سوره مبارکه أعراف، یکی از هفت سوره بلند قرآن کریم و از سوره‌های مکی است. این سوره به سبب آیه‌های ۴۶-۴۸ که در آن از «أصحاب أعراف» سخن گفته شده، به این نام شهرت یافته است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۰۷). دقت در سوره أعراف، ارتباط معناداری را بین محتوای این سوره با موضوع حیات اجتماعی نشان می‌دهد. یک از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات اجتماعی، مسئله حکمروایی است. در این سوره بارها به مکالمه انبیا با اقوام خود پرداخته شده است که به نظر می‌رسد در این سوره، از زاویه ویژه به ارتباط انبیا با اقوامشان پرداخته شده است. از این رو با توجه به طرح مسئله حیات اجتماعی در این سوره و مؤلفه‌های حکمرانی این گفتگوها را می‌توان به این موضوع مرتبط دانست. از سوی دیگر در این سوره، آیاتی وجود دارد که جزء آیه‌های مشکل تفسیری قرآن است و به روشنی در سوره أعراف دارای اهمیت است و به سبب وجود این آیه‌های این سوره، «أعراف» نامیده شده است. این آیه‌ها برای هر خواننده‌ای پرسش برانگیز است. در این آیه‌ها، تصویری روشن و شفاف، از مکالمه بین «أصحاب أعراف»، «أصحاب الجنة» و «أصحاب النار»، گزارش می‌شود (مراغی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۶۵). در این مکالمه، بهشتیان به دوزخیان می‌گویند: «هرچه پروردگارمان به ما وعده داده بود تحقق یافت. آیا وعده خدا به شما نیز تحقق یافت؟». اصحاب دوزخ، تحقق وعده الهی را تأیید می‌کنند. در این میان مردانی که بر أعراف قرار دارند، با بهشتیان و دوزخیان سخن می‌گویند و ایشان را از سیمایشان می‌شناسند. قرآن کریم یک تعبیر ویژه درباره حال اصحاب أعراف دارد که آنها وارد بهشت نمی‌شوند، در حالی که دوست دارند وارد بهشت شوند. ایشان به بهشتیان اذن ورود به بهشت می‌دهند و دوزخیان را به سبب اندیشه‌های باطل و اعمال نادرستشان سرزنش می‌کنند (اعراف: ۴۶-۴۸). با فهم این نکته که چرا أعرافیان با داشتن چنین منزلت رفیعی که به ایشان اجازه سخن گفتن به بهشتیان داده شده و از حال بهشتیان و دوزخیان، آگاه هستند، به بهشت وارد نشده و منتظر هستند، نیازمند بررسی است؟ (ارمی علوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۳۲). اینکه گویی خواننده این آیه‌ها در برابر یک تصویر نمایشی قرار دارد، اما فهم دلیل وضعیت اصحاب أعراف نیاز به تبیین دارد، چون وقتی خداوند

خوانشی جدید از سوره اعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

انسان‌ها را به پاداش و جزای اعمالشان می‌رسد، ضرورت برگزاری این جلسه و اقرارگرفتن، در بدو امر روشن نیست (صادقی تهرانی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۱، ص ۱۵). روایت‌های تفسیری متفاوتی در این باره وجود دارد که برخی «اعرافیان» را صالحان، انبیا، برخی گناهکاران و برخی قومی دانسته که اعمال صالح و ناصالح ایشان برابر است. بیشتر مفسران به سبب سیاق آیه‌ها و روایت‌ها، «اعرافیان» را انبیا و امامان دانسته‌اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۰۵). به سبب اهمیت آیه‌های ۴۶-۴۸ در شناخت مفاهیم سوره اعراف، این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چه شاخص‌هایی برای «اعرافیان» قابل شناسایی است و این شاخص‌ها چه ارتباطی با سیاق آیات، مسئله حیات اجتماعی و مؤلفه حکمروایی دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش تفسیر ساختاری استفاده می‌شود. تفسیر ساختاری، روشی است که مفسر در پرتو ارتباط بین آیه‌ها، اقدام به کشف ارتباط بین آیات در پرتو غرض سوره می‌کند. یکی از مهم‌ترین ابزار در روش ساختاری، استفاده از تحلیل محتوا است (سلمان‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۸-۵۵) و تلاش می‌شود ارتباط آیه‌های اصحاب اعراف با موضوع حیات اجتماعی و حکمروایی تبیین شود. البته به سبب پرهیز از طولانی‌شدن مقاله، به ارائه گزارش از تحلیل محتوای سوره بسنده می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی درباره آیه‌های ۴۶-۴۸ سوره اعراف و شناسایی اعرافیان تابه‌حال سامان یافته است؛ از جمله: «مقایسه تطبیقی منابع تفسیر قرآن از منظر فریقین در بازخوانی آیات اصحاب‌الاعراف» (چگینی، ۱۳۹۶، ص ۷۷-۹۷)، «اعراف از نظر مفسران فریقین» (مصلایی‌پور یزدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۳۸) و «مفهوم‌شناسی اعراف و اعرافیان در روایات تفسیری» (اکبرنژاد و همکار، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۳۰). پژوهش‌های دیگری با عنوان «ارزیابی دیدگاه مفسران درباره تعیین مصداق رجال اعراف با رویکرد سازواری سیاق با

روایات تفسیری» (روحی برندق و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵-۳۰) و «چیستی اعراف و اعرافیان» (اخوان مقدم و همکار، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴-۱۱۶)، تلاش کرده تا باتوجه به سیاق آیات، مصداق اعرافیان را انبیا و ائمه علیهم‌السلام مشخص کند، اما پژوهشی درباره تبیین علمی و عقلانی از دلیل این گفتگو صورت نگرفته است. درباره حکمرانی اسلامی و حکمران خوب از نگاه اسلام، برخی آثار مانند حکمرانی حکیمانه (دلشاد، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۱۱) و آیین حکمروایی (دین‌پرور، ۱۳۹۴، ص ۳۱) آثاری نگاشته شده است که به موضوع عدالت محوری و نفی خودکامگی، محبت و دلسوزی، به عنوان شاخص های حکمران خوب پرداخته اند، اما نوآوری این پژوهش در شناسایی غرض سوره اعراف و فهم جدید از آیات اصحاب اعراف و بیان شاخص های مهمی از حکمروای خوب مانند: ارتباط بین فردی، آینده نگاری، است که می تواند مثبت صلاحیت انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام برای حکمرانی باشد.

۲. غرض سوره اعراف

در سوره اعراف، درباره موضوع های مختلف اعتقادی، اخلاقی، قصص انبیا، سخن گفته شده است (راحتی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۷۸-۵۹). تحلیل محتوای این سوره نشانگر آن است که حیات اجتماعی، یکی از موضوعات اصلی آن است (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۳۲۳ / مراغی، بی تا، ج ۹، ص ۱۵۹ / کرمی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۲۸۵). برای شناسایی غرض سوره اعراف باید به این نکته ها توجه داشت:

الف) در این سوره، آیه ای وجود دارد که بر مسئله حیات اجتماعی تصریح دارد: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (اعراف: ۳۴). وجود این آیه معناساز و تکرار واژگان دال بر مفهوم جامعه، خواننده را به مفهوم حیات اجتماعی در این سوره رهنمون می کند؛ تاجایی که شاید بتوان گفت یکی از موضوع های اصلی یا غرض سوره اعراف، مسئله حیات اجتماعی است. برخی مفسران، مسئله عمر تمدن اجتماعی را به عنوان غرض بخشی از سوره اعراف بیان کرده اند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۰۸). روشن است که مهم ترین مؤلفه حیات اجتماعی، وجود حکمران خوب است. تمامی شاخص های جامعه

خوانشی جدید از سوره أعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

زنده و پویا، تحت تأثیر حکمران خوب است. شاید به همین سبب در این سوره، بارها درباره انبیا سخن گفته شده و اگر غرض سوره را حیات اجتماعی بدانیم، به گفتگوی انبیا با اقوامشان می توان از زاویه مؤلفه حکمران خوب نگریست. در این سوره به ویژه در آیةهای أعرافیان، نکته هایی بیان می شود که نشانگر صلاحیت انبیا برای حکمرانی و تأثیر ایشان در حیات اجتماعی است.

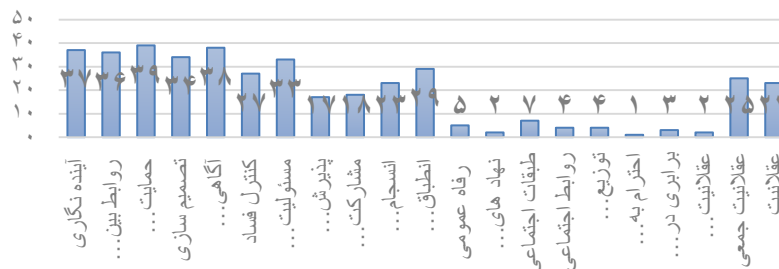
ب) استفاده چشمگیر از گفتگوی انبیا با امت هایشان، با کاربرد متعدد عبارت «يَا قَوْم» نشان می دهد که «قوم» به عنوان مخاطب، دارای وجود جمعی و عینیتی است که می تواند مورد خطاب، تکلیف، یا عذاب شود. این گونه از خطاب، ۸ بار در سوره أعراف، به کار رفته است و خواننده آیةها را به سوی عینیت و حقیقت وجود جمعی «قوم» یا «جامعه» رهنمون می کند (محمدرضایی، ۱۴۳۶، ص ۶۲۳-۶۴۴).

ج) یکی از موضوع هایی که در این سوره به صورت ویژه نظر قرآن پژوهان را به خود جلب کرده است، بسامد بالای واژگانی است که به مفهوم جامعه دلالت دارد. واژگانی مانند «أُمَّة» ۹ بار، «قوم» ۵۲ بار، «كُلُّ» ۱۴ بار، «أسباط» ۱ بار، «مِلَّة» ۲ بار و «جمع» ۵ بار آمده است (میرزایی نیا و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹۸-۷۵). بسامد بالای واژگان دال بر مفهوم جمعی نشان می دهد، جامعه یکی از موضوع های این سوره است.

د) تحلیل محتوای کیفی - مضمونی سوره نشان می دهد، سوره أعراف کمابیش درباره همه مؤلفه های حیات اجتماعی سخن گفته است. البته این سوره درباره حیات اجتماعی، رویکردی متفاوت با جامعه شناسی و متناسب با گفتمان قرآنی کرده است؛ مؤلفه هایی مانند سلامت، امنیت، عدالت، اقتصاد، عقلانیت و حقوق اجتماعی و حکمروایی (جاودان و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶۹-۱۴۱) مستأجرانی گورکانی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۸-۱۰۹)، اما تمرکز بر مسئله نقش حاکم یا حکمروا در رشد حیات اجتماعی است.

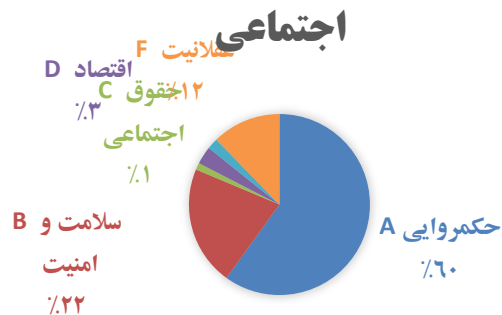
برای شناسایی غرض اصلی این سوره، تحلیل محتوای این سوره به صورت کامل انجام شد. جدول عناوین اصلی، فرعی، کلیدواژگان و کدگذاری موضوعات به فایل ضمیمه ارائه می شود.

نمودار مقایسه‌ای زیر مؤلفه‌های حیات اجتماعی در سوره اعراف



E عدالت نمودار مقایسه‌ای مؤلفه‌های اصلی حیات اجتماعی

٪۲



از مجموعه تحلیل محتوای سوره اعراف، چند نکته روشن می‌شود:

نخست آنکه در این سوره کمابیش به بیشتر مؤلفه‌های حیات اجتماعی توجه شده است؛ دوم آنکه بیشترین تمرکز در این سوره بر مؤلفه‌های شاخص‌های حکمروای مطلوب، سلامت و امنیت و عقلانیت جمعی است؛ سوم آنکه در برخی شاخص‌ها رویکرد قرآن در مسئله حیات اجتماعی متناسب گفتمان توحیدی و الهی قرآن است و با آنچه در دانش جامعه‌شناسی مطرح می‌شود یا متفاوت است یا به برخی جنبه‌های جدید توجه کرده است. برای مثال منفعت

خوانشی جدید از سوره اعراف با تأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

مادی را سبب حیات اجتماعی می‌داند، اما منفعتی که متناسب با الگوی دینی باشد نه هر نوع کسب منفعتی (اعراف: ۱۶۹)؛ درحالی‌که در دانش جامعه‌شناسی اصل وجود روابط، سازمان‌ها، طبقات و... را برای کسب منافع کافی دانسته‌اند.

۳. حیات اجتماعی

حیات اجتماعی، نوعی مفهوم حقیقی است که از روابط بین انسان‌ها به وجود می‌آید. جامعه، مانند انسان، دارای ویژگی‌های آگاهی، تولد و مرگ است. حیات اجتماعی، اشعار به «زندگی درهم‌تنیده و مشترک» انسان دارد. این اشتراک در عرصه کنش‌های متقابلی انسان و حیات جمعی وی نمایان می‌شود (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۵-۹۲).

رشد حیات اجتماعی در مسئله عدالت و مشارکت سیاسی قابل مشاهده است؛ چراکه عدالت یک مفهوم حقیقی است که باید بتواند بین خواست و عمل افراد تعدیل ایجاد کند. مهم‌ترین کارکرد عقل اجتماعی، برقراری عدالت است (سنجولی‌نژاد، ۱۴۰۰، ص ۷۵-۹۹). حیات اجتماعی سبب صیانت جامعه از حق تعیین سرنوشت خود می‌شود؛ چراکه تمام عرصه‌های حیات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، از مرکز قدرت هدایت می‌شود و این سبب می‌شود که مهم‌ترین شاخص حیات اجتماعی، مسئله حکمروایی برای تأمین عدالت باشد (خطیبی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۹-۳۸/ توکلی و همکار، ۱۴۰۰، ص ۲۶۷-۲۸۸). در گفتمان قرآن، مسیر رشد و کمال انسان، تنها از راه حیات اجتماعی امکان‌پذیر است (فقیه‌ایمانی، ۱۴۰۰، ص ۶۹-۸۶).

قرآن، حیات و ایمان به خدا را دو مؤلفه مرتبط می‌داند و انسان یا جامعه‌ای را که فاقد ایمان به خداوند است، فاقد حیات طیبه می‌داند (اعراف: ۵۸). در جهان‌بینی قرآنی، آنچه به زندگی معنا می‌دهد، ایمان است؛ ایمان به خداوند، نبوت پیامبر ﷺ و آخرت (انعام: ۱۲۲). باور به این سه حقیقت، معنا و سبک زندگی فرد و جامعه را تغییر می‌دهد (رزاقی، ۱۴۰۰، ص ۱۹۷-۲۲۱). انبیا راه شناخت زندگی اصیل را به جامعه نشان می‌دهند. ایشان خود را صادقانه در راه توحید الهی و مقابله با ظلم و استکبار قرار می‌دهند و زندگی را به گونه واقعی آن

- یعنی مشتمل بر دنیا و آخرت - ترسیم می‌کنند (طاهری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۵-۹۲). بنابراین روشن است که وقتی خداوند در سوره اعراف، درباره حیات اجتماعی سخن می‌گوید، مهم‌ترین مسئله در این موضوع - یعنی حکمروایی - باید مورد توجه قرار گیرد (سبحانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۵). از نگاه قرآن کریم، جامعه‌ای دارای حیات است که فعال و دارای کنش اجتماعی باشد. مردم درک درستی از وجود و محیط خود داشته باشند و بتوانند روابط سودمندی با ساختارها برقرار کنند (خطیبی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۹-۳۸). در روش تفسیر ساختاری، مفسر به دنبال چتر معنایی است تا بتواند همه آیات سوره را ذیل آن چتر، به صورت کل منسجم و مرتبط، تبیین کند. حیات اجتماعی، موضوعی است که می‌تواند چهره‌ای منسجم، از سوره اعراف را به نمایش بگذارد؛ سوره‌ای که تمام آیات آن با مؤلفه‌های حیات اجتماعی، به‌ویژه مؤلفه حکمروای خوب مرتبط است. همان‌طور که گفته شد در این سوره، جامعه دارای «أجل» یا همان زمان مرگ است. در این سوره درباره سبب‌های رشد، بقا و نابودی جوامع گذشته - یعنی همان حیات اجتماعی - سخن گفته شده است و به نقش انبیا در این حیات اجتماعی تأکید شده است. با نگاه مفسر معاصر به این سوره، می‌توان دریافت که این ارتباط از راه نقش حکمروا در حیات اجتماعی قابل تبیین است.

۴. شناسایی اعرافیان با تمرکز بر مفهوم ریشه‌ای «اعراف»

۴-۱. ریشه‌شناسی واژه اعراف

در مرحله نخست، شناخت مفهوم دقیق واژه «اعراف» و تأثیری که این واژه در مفهوم آیات ۴۶-۴۸ دارد نیازمند ریشه‌شناسی است. اعراف جمع عُرف، به معنای «عُرف الدابة» و «عُرف الفرس»، به معنای پشت گردن حیوان است (ابن‌درید، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۸۷۶). این واژه در قرآن کریم، به معنای مکان مرتفع به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۲). زبان‌شناس معاصر، درباره این واژه می‌گوید: «معنای محوری عرف، جدا شدن قسمت بالای هر چیز با اشاره و یا موضوعی است که در آن وجود دارد» (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۲،

خوانشی جدید از سوره أعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

ص ۱۰۸). به همین سبب در زبان عربی از مفهوم شناخت با واژه معرفت یاد شده است؛ زیرا معرفت، مرحله بالاتر از علم است؛ یعنی بر اساس علمی که وجود دارد، برخی چیزها تمییز داده می‌شود (حسن جبل، ۲۰۱۰، ص ۱۴۴۸). در زبان‌های عبری و سریانی ریشه «عُرف» برای پشت گردن حیوان، یال، غلبه و تسلط، بلندترین نقطه کوه، خیمه بالای محراب، نوری که از آسمان بر زمین می‌تابد و «عرفیم» به معنای بهشت به کار رفته است

(Benner, 2005, p.407\ Gesenius, 1906, p.791\ Pike, 1811, p.107\)
(Davidson, 1885, p.1097\ Michaelis, 1788, p.672).

بررسی ریشه عرف، در متون مقدس، نشانگر جایگاه محترم و مقدس در برخی از کاربردهای «عرف» است که می‌تواند با کاربرد قرآنی آن دارای تشابه باشد. پیشنهاد کاربردی این واژه در کتاب مقدس همراه با مفهوم دینی حاکم بوده است (Nolan, 2015, p.791 p.46\ Gesenius, 1906, و در قرآن کریم نیز در سیاقی به کار رفته است که مفهوم داوری کردن و حکم کردن از آن مکان، با این واژه تناسب دارد. به هر روی «أعراف» مکان مرتفعی است که «أعرافیان» بر آن قرار دارند و از آن مکان هم اهل بهشت و هم اهل جهنم را می‌بینند. در واقع در این آیه‌ها، بین واژه «أعراف» با عملی که «أصحاب الأعراف» انجام می‌دهند، ارتباط وجود دارد. این آیه‌ها، وجه‌متمیزه و شاخص «أعرافیان» را معرفت ایشان معرفی می‌کند. این موضوع، به علاوه دلایلی که در بخش پیشین مطرح شد، نشان می‌دهد «أعرافیان»، همان انبیاء و امامان علیهم‌السلام هستند (مصلاهی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۳-۳۸)، اما به این سبب تصریح به مصداق ایشان نمی‌شود که غرض آیه بیان شاخص‌هایی است که صلاحیت این گروه را برای حکمروایی اثبات می‌کند.

۴-۲. دیدگاه‌های مفسران درباره «أصحاب الأعراف»

درباره کیستی أعرافیان، دیدگاه‌های مختلفی بین مفسران وجود دارد،^۱ اما به صورت کلی دو

۱. مانند: اشراف و بزرگانی که کرامتی از جانب خداوند به ایشان اختصاص داده شده است (فخررازی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۴، ص ۲۵)؛ مؤمنانی از طایفه جنّ (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۸۷)؛ کودکانی که پیش از

دیدگاه در بین مفسران، بیشترین طرفدار را دارد:

۱-۲-۴. دیدگاه نخست

قومی که سیئات و حسنات ایشان برابر است و نه لایق ورود به بهشت هستند و نه مستحق عذاب الهی. دلیل طرفداران این دیدگاه که بیشتر دانشمندان اهل سنت هستند، افزون بر روایات دال بر این مضمون (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۸۶)، عبارتی در این آیه هاست که تصریح می‌کند اعرافیان وارد بهشت نمی‌شوند درحالی که دوست دارند وارد شوند. این گروه از مفسران، این عبارت را دلیلی بر عدم صلاحیت اعرافیان برای ورود به بهشت دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۱۳۷/ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۱۷/ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۰۳).

نقد دیدگاه اول

۱. روایات دال بر این مضمون از جهت سندی و دلالتی، دارای جهات ضعف متعددی هستند (اکبرنژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۳۰)؛
۲. درباره اعرافیان، وصفی آمده است که به بهشتیان اجازه ورود به بهشت می‌دهند و این وصف نمی‌تواند برای گروهی باشد که خود شایستگی ورود به بهشت را ندارند (چگینی، ۱۳۹۶، ص ۷۷-۹۷)؛
۳. عدم ورود به بهشت، می‌تواند دلیل دیگری داشته باشد که مربوط به ویژگی مسئولیت‌پذیری اعرافیان است؛
۴. کسانی که اصحاب اعراف را قومی می‌دانند که حسنات و سیئات ایشان برابر است، هیچ توضیحی درباره وصف «یعرفون کلا بسیماهم» ندارند (ولدیگی، ۱۴۰۰، ص ۲۲۵-۲۵۳) که چرا باید چنین قدرتی در شناخت مردم به اعرافیان داده شود.

تکلیف از دنیا رفته‌اند (نظام اعراف، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۵۱)؛ کسانی که در دنیا مغرور و متکبر بودند (نوی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۲)؛ فرشتگان (طبری، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۱۳۹)؛ نگهبانان جهنم (حفنی، ۲۰۰۴، ج ۳، ص ۱۵۵)، مردم عادل از هر امتی که به‌عنوان شاهد به‌شمار می‌آیند (حق‌برسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۷)؛ اهل فترت، یعنی کسانی که در زمان انبیا نبوده‌اند (رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۳۴)؛ کسانی که بدون اذن پدر به جهاد رفته و به شهادت رسیده‌اند (ابن جززی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۸۹). برخی دیگر اعرافیان را عباس، حمزه، علی و جعفر طیار دانسته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۲۱۲).

۲-۲-۴. دیدگاه دوم

انبیا و اهل بیت علیهم السلام، همان أعرافیان هستند که رهبر اقوام مختلف بوده‌اند. در این باره روایت‌های گوناگونی وجود دارد (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۳۲). بیشتر مفسران شیعه مانند شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق، علامه طباطبائی، أعرافیان را انبیا و امامان علیهم السلام دانسته‌اند (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۵۹ / مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۰ / طوسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۱ / طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۱۲۱). دلیل ایشان بر این موضوع، افزون بر روایت‌های گوناگون و قابل اعتمادی که أعرافیان را انبیا و امامان علیهم السلام معرفی می‌کند، سه دلیل است: اول. شأن و جایگاه محیط ایشان بر اهل بهشت و جهنم؛ دوم. اذن ورود به بهشت برای اهل بهشت؛ سوم. حق سخن گفتن در جایی که هیچ بشری دارای اجازه تکلم نیست (روحی برندق، ۱۳۹۷، ص ۵-۳۰).

یکی از قواعد مهم تفسیری، توجه به سیاق آیات است. در روش تفسیر ساختاری، گستره سیاق، کل سوره را در بر می‌گیرد. در این سوره، درباره انبیا سخن گفته شده است که مردم را به دین خداوند دعوت کرده‌اند. انبیا برای زندگی اجتماعی مردم، قوانین و اصولی را مانند تجارت، ازدواج، روابط سیاسی و... بیان کرده‌اند که پیروی از آن لازم بوده است. باید توجه داشت که حکمروایان صلاحیت قانونگذاری را برای زندگی اجتماعی انسان دارا هستند. همان‌طور که گفته شد به نظر می‌رسد أعرافیان همان انبیا و اهل بیت علیهم السلام هستند که صلاحیت حکمرانی را دارا هستند.

۵. حکمروایان و «أصحاب الأعراف»

حکومت، شامل راهبری، هدایت و تنظیم و تأثیرگذاری و تعیین کردن است که بیشتر به همراه قدرت و اجرای امور است (یوسفی و همکار، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵-۱۳۵). جوهره حکمروایی، حفظ ارتباط دائمی مردم با حکمروا و پیوندهای مردم با یکدیگر است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۷۰-۹۵). امروزه حکمرانی و حکمروایی، دو الگوی متفاوت در شیوه اداره جوامع هستند. تفاوت این دو ایده در میزان قدرت و نفوذ در جامعه است. حکمرانی،

قدرت قانونی و بیانگر رویکرد سنتی به اداره جامعه است، در حالی که حکمروایی، یک گام جلوتر از حکمرانی است. حکمروایی، دستاورد یک فرایند تعاملی میان رهبران، مردم و سازمان‌های اجتماعی است. در حکمروایی، افرادی صلاحیت حکومت بر جامعه را دارند که شایستگی ایشان برای رهبری جامعه از طریق روابط درون جامعه و با عقل اجتماعی و انتخاب سیاسی مردم احراز می‌شود (موسوی، ۱۴۰۲، ص ۷۰-۹۵). در دانش جامعه‌شناسی، بر اساس مبانی مختلف، شاخص‌های متفاوتی برای حکمروای خوب بیان شده است (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۶۱-۱۹۵). شاخص‌های حکمروای خوب با توجه به اولویت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا مذهبی متفاوت است، اما برخی شاخص‌ها مانند ارتباط بین فردی، عدالت، کنترل فساد، مسئولیت‌پذیری، آگاهی، در بیشتر دیدگاه‌ها برای حکمروای خوب مشترک است (عیوضی، ۱۳۹۶، ص ۵۵-۸۵).

در موضوع شاخص‌های حکمران، خداوند در سوره‌های مختلفی - به‌ویژه سوره مائده - سخن گفته است. برای مثال در این سوره مائده، شاخص‌های یک حکمران را، انتصاب از سوی خداوند، آگاهی به فقه و احکام شریعت، ایمان و تقوا، استقلال و دشمن‌شناسی، اهتمام به رفع نیازهای مالی مردم بیان کرده است (حسینی و همکار، ۱۳۹۷، ص ۸۳-۱۱۵) و کمتر در این سوره متعرض جایگاه اجتماعی حکمران شده است، اما در سوره اعراف از زاویه مسئله حیات اجتماعی به حکمروایی پرداخته شده است. شاید به همین سبب است که شاخص‌های متناسب با حیات اجتماعی، در این سوره مشهودتر است.

حکمروایی یک موضوع در حیات اجتماعی است که نه از ناحیه فقهی، بلکه از جهت صلاحیت رهبری اجتماعی به این موضوع پرداخته می‌شود. در این آیه‌ها، شاخص‌هایی دیده می‌شود که بر مسئله رهبری، از جهت صلاحیت اجتماعی و تأثیر آن بر حیات اجتماعی در دانش علوم اجتماعی، تطبیق‌پذیر است.

درسراسر سوره اعراف، درباره مؤلفه‌های گوناگونی از حیات اجتماعی سخن گفته شده است، اما در آیات ۴۶-۴۸، یک صحنه از ارتباط حکمروایان با مردم، ترسیم می‌شود که دقت در آن می‌تواند نشانگر شایستگی این حکمروایان از جهت ارتباط اجتماعی است.

خوانشی جدید از سوره اعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

برخی از شاخص‌ها مانند روابط میان‌فردی «يعرفون بسيماهم»، دلسوزی و حمایت «نادوا اصحاب الجنة أن سلام عليكم»، مسئولیت‌پذیری «لم يَدْخُلُوْهُ و هم يَطْمَعُوْنَ»، تصمیم‌سازی «ادخلو الجنة» و کنترل فساد «ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون» و آینده‌نگاری «لا خوف عليكم و لا انتم تحزنون» بیان شده است (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۹-۴۷ / کاظمیان و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۵-۷۴).

۵-۱. دلایل صلاحیت اعرافیان برای حکمرانی دنیوی

در آیه‌های ۴۶-۴۸ سوره اعراف، گفتگوی اعرافیان با مردم بیان می‌شود، جایی که به‌نظر می‌رسد باید اعرافیان نیز مانند همه انسان‌های دیگر، سرگرم امور شخصی خود باشند (عبس: ۳۷) و اجرای عدالت را خداوند و فرشتگان، عهده‌دار شوند (احزاب: ۳۹)، اما با این وجود اعرافیان، همچنان متوجه اُمت خویش هستند. در جایی که ضرورتی وجود ندارد اعرافیان چنین با اُمت خود همراهند، پس در حیات دنیوی که که همراهی با اُمت ضرورت دارد، بی‌شک این ارتباط قوی‌تر است؛ چراکه دنیا محل تکلیف و عمل است و آخرت، محل جزا و وظیفه‌ای متوجه اعرافیان نیست، اما محبت و دلسوزی ایشان برای اُمت، موضوعی نیست که با مرگ، از وجود ایشان جدا شود. بنابراین ترسیم وضعیت اعرافیان، در این بخش از حیات بشری، دارای مفاهیم بسیار مهمی است. دقت و تدبیر در این آیه‌ها، صلاحیت اعرافیان را برای حکمروایی، در حیات دنیوی اثبات می‌کند، برخی از این دلایل عبارتند از:

نخست. از توجه به سیاق آیه‌ها و سوره، این نکته قابل استفاده است؛ اگر در سوره‌ای در آیه‌های پیشین و پسین درباره حیات اجتماعی و لزوم پیروی جامعه از انبیا سخن گفته شده است و در میانه بحث، این گفتگو بیان شده، نمی‌توان این گفتگو را خارج از سیاق فهمید و باید آن را با موضوع حکمرانی در حیات اجتماعی دانست؛

دوم. معناشناسی تاریخی اعراف، نشان داد این جایگاه برای حاکمان کاربرد داشته است. این موضوع در ریشه‌شناسی این واژه پیش از این طرح شد (Gesenius, 1906, p.791 \ Nolan, 2015, p.46).

سوم. از نگاه فلسفی، آنچه در قیامت رخ می‌دهد، همان چیزی است که در عالم دنیا هم وجود داشته است، اما حجاب‌های مادی، مانع علم به آن است و در قیامت، تنها آن موانع رفع می‌شود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۷، ص ۱۷). بنابراین اگر انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام در آن دنیا در مقام تصمیم‌گیری و حکم‌دادن قرار دارند، در دنیا نیز دارای این صلاحیت بوده‌اند.

چهارم. دنیا و آخرت از هم جدا نیستند، بلکه مراتب متفاوتی هستند و وضعیت انسان‌ها در آخرت، مثال حقیقی از حیات دنیوی ایشان است. سیاق آیات ارتباط این صحنه از قیامت و ارتباط آن را با شئون دنیا نشان می‌دهد. درباره دوزخیان می‌گوید: «ایشان پیش از این مردم را از یاد خداوند باز می‌داشتند و دین را در حیات دنیوی، بازیچه می‌دانستند» (اعراف: ۵۱).

پنجم. اینکه اصحاب اعراف، بهشتیان را به بهشت دعوت می‌کنند، این حکم، امر و تأمین به اذن الهی است. مانند آیه دیگر است که فرمود در روز قیامت هر امتی را با امام او فرامی‌خوانیم، پس کتاب‌شان به دست راست‌شان داده می‌شود (یعنی امام علیه‌السلام کتابش را به دستش می‌دهد)، این پادرمیانی در دعوت به بهشت و یا دادن کتاب و یا شفاعت از سنخ حکومت موهبتی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۴ و ج ۸، ص ۱۲۸/ سند، ۱۴۲۸ق، ص ۹۷/ ابی‌سعود، ۱۹۸۳، ج ۳، ص ۱۹۳). اگر در جایی که حکم‌دادن کار بسیار دقیق‌تر و مهم‌تری است و باید عادلانه انجام شود و باید به روش درست انجام شود، به اصحاب اعراف، سپرده می‌شود، بی‌تردید ایشان در دنیا بر حکمرانی از دیگران سزاوارترند؛ چراکه احکام حکومتی با قیاس، رأی و عقل به‌دست نمی‌آیند، بلکه با علم الهی و عقل کاملی که خداوند به ایشان داده، قابل حصول است (سبحانی، ۱۴۲۱، ص ۳۲۶).

۱-۵-۱. آگاهی اجتماعی

آگاهی اجتماعی، به‌معنای توانایی شناخت دیدگاه دیگران و درک نیازهای واقعی جامعه از طریق کنش اجتماعی است (آستین‌فشان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۳-۱۲۵). آگاهی اجتماعی بالاتر می‌تواند بین مصالح گروه‌های مختلف جامعه، جنبه‌های قابل‌تعمیم را پیدا کند و تصمیم‌سازی را بر اساس منافع عمومی جامعه انجام دهد (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۷۴/ محرم‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷-۱۴۰). ازسوی دیگر کسی می‌تواند حکمروا باشد که

خوانشی جدید از سوره أعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

افزون بر آگاهی‌های اجتماعی و درک نیازها و سلاقی جامعه، بتواند منافع حقیقی جامعه را شناسایی کند. انبیا و امامان علیهم‌السلام از این جهت کاملترین آگاهی را نسبت به جامعه و مصالح عمومی دارا هستند. حکمروا در جامعه غیردینی، مصالح اخروی و حقیقی جامعه را تشخیص نمی‌دهد و تصمیم‌سازی آن هم بر مبنای آگاهی‌های وی از جامعه و حیات مادی آن است، اما حکمروای الهی، آگاهی‌های گسترده‌ای از مبدأ، مسیر و مقصد حیات اجتماعی دارد (استرآبادی، بی‌تا، ص ۳۴۲).

فعل مضارع «يعرفون» در آیات ۴۶-۴۸ که دوبار تکرار شده است، دلالت بر استمرار دارد (صبان، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۵)، این نشانگر آن است که آگاهی اصحاب أعراف به مردم، یکباره در هنگامه حسابرسی ایجاد نشده، بلکه شناخت در گذشته و حیات دنیوی هم بوده است و این نوع شناخت، اطمینان بخش‌ترین نوع آگاهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۱۲۳).

آگاهی‌های اجتماعی بشری به دلیل‌های گوناگونی مانند تأثیرپذیری از شایعات و یا نقص اطلاعات، خطاپذیر است، اما مردم گمان می‌کنند عمومیت، یک انگاره یا باور دلیل بر صدق و درستی آن است. گاه این جمود، بر درستی انگاره‌های اجتماعی، آن قدر زیاد است که مردم گمان می‌کنند کسی که با آن مخالف است به نتیجه خوبی دست نمی‌یابد (سووی، ۱۳۴۳، ص ۳۶). خداوند در این آیه‌ها، به خطاپذیری آگاهی‌های اجتماعی دوزخیان، اشاره کرده است؛ چراکه ایشان، سوگند می‌خورند که مؤمنان به رحمت دست نمی‌یابند، درحالی که حکمروایان دینی، بر اساس آگاهی منطبق بر واقعی که داشته‌اند، مردم را به راه پیروی از خداوند فراخوانده‌اند و می‌دانسته‌اند که جامعه در صورت عمل به دین به سعادت و کمال می‌رسد.

۵-۱-۲. دلسوزی و حمایت اجتماعی

دلسوزی، به معنای داشتن حساسیت نسبت به رنج کشیدن دیگران است. دلسوزی، احساسی است که تنها به انسان‌های واقعی دست می‌دهد و این حس، سبب یاری رساندن به دیگران است و حمایت اجتماعی، به این معنا است که هر فردی از جامعه احساس کند، از او مراقبت می‌شود، شخصیت وی محترم شمرده می‌شود و عضوی از ساختاری است که دارای

تعهدات متقابل است (مجدآبادی، ۱۳۹۵، ص ۷-۲۳). یکی از شاخص‌های جامعه زنده و پویا، داشتن حکمروایی است که دارای ویژگی دلسوزی است. حکمروا باید نسبت به جامعه - به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر - دلسوز باشد و به‌گونه‌ای رفتار کند که مردم جامعه دلسوزی و حمایت اجتماعی وی را درک کرده و احساس جدایی از حکومت را نداشته باشند. این موضوع در حیات اجتماعی بسیار مهم است. اگر این احساس به‌وسیله حکمروا به جامعه به‌درستی منتقل نشود، مردم با حکام خود دشمنی می‌کنند و هر راهبرد قانونی را برای حل مشکلات جامعه با منفعت‌طلبی فردی و عملکرد خودسرانه ناکام می‌گذارند (لایک، بی‌تا، ص ۵۱).

عبارت «أخاهم» یا «أنصح لكم» در این سوره چندین بار تکرار شده (مهتدی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹-۲۰۶) و این واژگان، مفهوم حمایت را در خود دارد. در آیه‌های ۴۶-۴۸ ویژگی‌هایی بیان می‌شود که عمق این حمایت را نشان می‌دهد. «لم یدخلوه و هم یطمعون»؛ درحالی‌که حکمروایان، سزاوار ورود به بهشت هستند و نعمات بهشتی، هر انسانی را به‌سوی خود می‌کشاند و روشن است که اگر اعرافیان هم حضور نداشته باشند، حسابرسی امت‌ها انجام می‌شود، اما اعرافیان، تازمانی که تکلیف امت‌هایشان مشخص نشده باشد، به بهشت وارد نمی‌شوند. این درحالی است که خداوند که عالم به انگیزه‌های شخصی انسان‌هاست، از میل شدید قلبی اصحاب اعراف برای ورود به بهشت خبر می‌دهد، اما شدت حمایت از امت بیش از طمع ایشان در ورود به بهشت است. این موضوعی است که بسیاری از مفسران اهل سنت، به‌سبب عدم تدبر در آیات و نگرش سطحی و عدم توجه به شاخص دلسوزی اعرافیان، گمان کرده‌اند که عدم ورود اعرافیان به بهشت، عدم صلاحیت ایشان برای ورود به بهشت است و از آن نتیجه گرفته‌اند که اعرافیان، کسانی هستند که سیئات و حسنات ایشان برابر است و نه شایسته ورود به بهشت هستند و نه مستحق عذاب جهنم؛ درحالی‌که اعرافیان انبیا و امامان علیهم‌السلام به‌سبب دلسوزی و احساس مسئولیتی که دارند تا سرنوشت امت‌شان، روشن نگردد، به بهشت وارد نمی‌شوند. مبنای حمایت اجتماعی از مردم، در انبیا و امامان علیهم‌السلام نگرش دینی اسلام به

خوانشی جدید از سوره أعراف با تأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

کرامت انسان، عدالت و لزوم احسان است و دلسوزی، نقش مهمی در هدایت و اقناع دارد (سید قریشی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵-۱۲۲). از نگاه اسلام، همه انسان‌ها با یکدیگر برابر هستند و آنچه سبب برتری انسان‌ها بر یکدیگر می‌شود، تقوای ایشان است. از نگاه أعرافیان، حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر جامعه، امری ضروری است (شیخی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۷-۵۴). بنابراین از کسانی که در زندگی دنیوی جمعیت اندکی داشتند، اما عملکرد صحیحی داشتند تا آخرین لحظه حمایت می‌کنند. احکام شرعی و دستورهای الهی، حمایت از مردم و قشرهای ضعیف را به همراه دارد؛ مانند نهی از کم‌فروشی به وسیله شعیب علیه السلام (اعراف: ۸۵)، خارج کردن بنی اسرائیل از زیر سلطه فرعون، به وسیله موسی علیه السلام (همان: ۱۳۴) وعده وارث‌بودن مستضعفان (همان: ۱۳۷) و یا آیاتی که وعده تحقق آزادی و عدالت را به امت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دهد که با پیروی مردم از پیامبر صلی الله علیه و آله در جامعه تحقق می‌یابد (همان: ۱۵۷). این آیه‌ها به عنوان سیاق پیشین و پسین نشان می‌دهد أعرافیان که در آخرت حکم ورود به بهشت می‌دهند، همان حکمرانان در زندگی اجتماعی هستند که رسالت اصلاحات اجتماعی داشته‌اند؛ مانند شعیب که وظیفه اصلاح نظام اقتصادی را برعهده داشت (زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۶۹۱).

۳-۱-۵. رابطه‌های میان‌فردی

رابطه‌های میان‌فردی، ارتباط یا وابستگی بین دو یا چند نفر را توصیف می‌کند. این اصطلاح، به‌طور قابل‌توجهی با مفهوم «روابط اجتماعی» در جامعه‌شناسی ارتباط دارد. رابطه‌های میان‌فردی سبب می‌شود جامعه، یک فرد را دارای کفایت به‌شمار بیاورد و یک زندگی سالم اجتماعی شکل بگیرد (محمدزاده و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۵-۹۶/ پولانیک، ۱۳۸۳، ص ۶۳). بنابراین کسی در یک جامعه آرمانی، صلاحیت حکمروایی را دارد که دارای رابطه‌های میان‌فردی با آحاد مردم باشد تا بتواند با رابطه‌های عادلانه و متقابل را ارتقا دهد. این ویژگی در یک حکمروا، در اثر همجواری با مردم، از جهت شیوه زیست، ارتباط مکرر با مردم، گشاده‌رویی، دوستی، مشابَهت در جهان‌بینی، قابل حصول است. این ویژگی‌ها در حکمروا سبب افزایش مقبولیت و مشروعیت، قدرت سازگاری و اقناع مخاطب می‌شود (خوش‌نیت و همکار، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶-۱۵۳)؛ چرا که صلاحات اجتماعی؟ با حاکمیت و زور امکان‌پذیر

نیست و رفتارها درون‌زا هستند، بنابراین حکمروا بایستی از طریق اقتناع، رفتارهای اجماعی را اصلاح کند (فعالی، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

در آیات ۴۶-۴۸ سوره اعراف، دوبار بر این مؤلفه به عنوان ویژگی برجسته اعرافیان تأکید شده است. «يعرفون کلاً بسیماهم». خداوند، کسانی را به حکمروایی جوامع برانگیخته که به اتکاء قدرتی که خداوند به ایشان داده است، همه مردم را با چهره می‌شناسند. ارتباط چهره به چهره، عمیق‌ترین نوع ارتباط بین فردی است. موضوعی که خداوند در این سوره دوبار بر آن به عنوان شاخص اعرافیان تذکر داده است. پیامبران و ائمه اطهار (ع) - همان‌طور که در این سوره بارها به این ویژگی‌ها به آن اشاره شده - به سبب علم الهی، ارتباط مداوم با مردم، فروتنی، دارای قوی‌ترین ارتباط بین فردی با جامعه بوده و در نتیجه قدرت اقتناع مخاطب و هدایت جامعه را دارا هستند و شاید بتوان گفت هیچ‌کس به اندازه ایشان، دارای روابط بین فردی کامل با جامعه نیست.

۵-۱-۴. مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری، چهارچوبی اخلاقی برای هر فرد یا سازمان است، تا با حساسیت درباره مسائل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط‌زیستی رفتار کند. تلاش برای انجام مسئولیت اجتماعی به حکومت‌ها کمک می‌کند تا نقش و تاثیر مثبتی در توسعه پایدار یک جامعه داشته باشند. مسئولیت‌پذیری، امری حیاتی برای حکمروای خوب است. این موضوعی است که بارها در سوره اعراف به آن تأکید شده است. مسئولیت‌پذیری، در حیات جمعی مسئولیتی دوجانبه است. خداوند در این سوره می‌فرماید که ما هم جامعه و هم فرستادگان خود را موردپرسش قرار خواهیم داد (اعراف: ۶)، ولی مسئولیت‌پذیری اعرافیان، زمانی روشن می‌شود که در جایی که شاید کمترین نیاز به حضور ایشان در صحنه دادرسی وجود دارد، حاضر هستند.

۵-۱-۵. تصمیم‌سازی اجتماعی

یکی دیگر از شاخص‌های حکمروا، قدرت تصمیم‌سازی و اجرای آن در جامعه است.

خوانشی جدید از سوره أعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

تفاوت تصمیم‌گیری با تصمیم‌سازی در جنبه فردی و اجتماعی آن است. در سطح سازمانی و حتی در سطح جامعه، بعضی مدیران یا حکمروایان، تصور می‌کنند که تصمیمات به‌وسیله آنها گرفته می‌شود، اما در بیشتر موارد تصمیم‌گیری به‌این ترتیب نیست، چون بعضی تصمیمات بعد از طی یک روند، به‌نتیجه می‌رسد و در طی این روند است که تصمیم ساخته و پرداخته می‌شود و مدیر، تنها تأیید نهائی را انجام می‌دهد. در چنین شرایطی نمی‌توان آن حکمروا را دارای شرط تصمیم‌سازی دانست. در زمانی یک حکمروا تصمیم‌سازی می‌کند که شناخت کاملی از امکانات، وظایف، اختیارات و اهداف جامعه داشته باشد، برای رسیدن به اهداف، راهکارهای صحیحی را انتخاب کند و در اجرا دارای تجربه کافی باشد، قدرت تحلیل و پیش‌بینی واکنش جامعه و چالش‌های پیش‌رو را داشته باشد و با قاطعیت، شجاعت و هوشمندانگی، تصمیم‌ها را اجرا کند (پورمعصوم، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷-۲۵۹).

همان‌طور که در شرایط فوق بیان شد، روشن است تصمیم‌سازی یک حکمروا، دارای جنبه‌های اجتماعی و مرتبط با دیگر مؤلفه‌های ذکر شده مانند روابط بین فردی، آگاهی، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی و حمایت اجتماعی است؛ یعنی در چنین شرایطی، یک حکمروا می‌تواند عادلانه‌ترین تصمیم‌ها را برای جوامع اتخاذ کند (فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۹۵-۱۲۴).

در سوره أعراف، به‌ویژه در آیات ۴۶-۴۸ به این شاخص مهم أعرافیان اشاره می‌شود. نکته‌ای که مفسران به‌سبب صدور مجوز ورود به بهشت، أعرافیان را منحصر در انبیا الهی و اهل بیت^{علیهم‌السلام} دانسته‌اند. باید توجه داشت ذکر برخی شاخص‌ها در این صحنه قیامت، نشانگر بسیاری موضوعات با دلالت التزامی است. به‌عبارت دیگر «چون که صد آید نود هم پیش ماست». در صحنه‌ای که طبق آیات قرآن کریم، هیچ‌کس حق سخن گفتن ندارد، أعرافیان به گروهی اجازه ورود به بهشت می‌دهند و اهل جهنم را بابت عملکردشان سرزنش می‌کنند و از دوطرف بر درستی ادعاهای انبیا در دنیا اقرار می‌گیرند. این یک حکم واقعی با اذن الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۴ و ج ۸، ص ۱۲۸).

اگر همان‌طور که جامعه‌شناسان یکی از مؤلفه‌های حکمروا را تصمیم‌ساز بودن معرفی کرده‌اند. دقت در شرایط تصمیم‌سازی نشان می‌دهد، بهترین و شایسته‌ترین حکمروا از جهت

تصمیم‌سازی انبیا و فرستادگان خداوند هستند. کسانی که از آگاهی، دلسوزی و شجاعت کافی برای اتخاذ و اجرای بهترین تصمیم‌ها برای جوامع بشری آگاهند.

۵-۱-۶. کنترل فساد

فساد در لغت به معنای تباهی (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۶۶۴) و در حیات اجتماعی، اقدامی مصداق فساد است که از دید مردم جامعه غیراخلاقی و مضر باشد. فساد، پدیده‌ای پیچیده در جنبه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که تمامی حکومت‌ها، با نسبت‌های متفاوتی درگیر آن هستند، اما نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر حکومتی متفاوت است. در سال‌های اخیر، موضوع فساد، به سبب آثار مخربی که بر توسعه اقتصادی داشته است، به یکی از موضوع‌های مهم و البته یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌ها تبدیل شده است. تضعیف امنیت اقتصادی، افزایش فعالیت‌های زیرزمینی، بی‌ثباتی، انحراف استعدادها و به‌دررفت منابع، تنها بخشی از آثار زیان‌بار فساد به‌شمار می‌روند. فساد بر ثروت، افزایش نابرابری و گسترش فقر تأثیر دارد و سبب تضعیف زیرساخت‌های عمومی و خدمات اجتماعی و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. فساد، اعتماد عمومی به حکومت را کاهش داده و نبود اعتماد، تلاش حاکم را در مبارزه با فساد، بی‌تأثیر می‌کند. مقایسه بین کشورهایی که فساد را کنترل کرده‌اند با کشورهایی که نتوانسته‌اند با فساد مقابله کنند، نشان‌دهنده نقش حکمروای خوب است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱-۱۸۲).

این صحنه به‌عنوان بخشی از زندگی اعرافیان، نشانگر صلاحیت ایشان برای حکمروایی است. باور به حقانیت آیات قرآن به ما اثبات می‌کند، تنها انسان‌هایی که صلاحیت حکمروایی بر جامعه را دارا هستند و می‌توانند درجایی که هیچ‌کس قدرت برخورد با دیگری را ندارد، با مفسدان برخورد کند و مفسدان را مجازات کند، در دنیا که محل انتخاب و آزادی و تکلیف است، به‌طریق اولی این صلاحیت برای ایشان وجود دارد. انبیا و برگزیدگان خدا که یاران مخلص خداوند هستند، تحت تأثیر هیچ انگیزه‌ای قرار نگرفته‌اند و عملکرد ایشان، این موضوع را در تاریخ بشریت اثبات کرده است. بنابراین اگر جامعه بر اساس تجربه تاریخی

خوانشی جدید از سوره أعراف باتأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

بخواهد برای خود حکمروای خوب انتخاب کند، لازم است به انتخاب خداوند که به عمق انگیزه‌های بشر آگاه است، اعتماد کرده و خداوند را به‌عنوان وکیل خود برای انتخاب حکمروا قرار دهد. این بهترین راه رسیدن به حیات اجتماعی متعالی و انتخاب سیاسی آگاهانه است و اعتماد به انبیا، نه تنها هیچ تناقضی با اصول رشد حیات اجتماعی طبق باور جامعه‌شناسان غربی ندارد (روسو، ۲۰۱۳، ص ۱۳۲)، بلکه این انتخاب، ضامن حیات طیبه اجتماعی است. درواقع انبیا وظیفه تشکیل حکومت ندارند و وظیفه ایشان رسالت است، اما مردم باید فردی را که خداوند برای این مقام، شایسته معرفی می‌کند، به‌عنوان حاکم انتخاب کنند و از او پیروی کنند (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۷، ص ۵۱-۵۶).

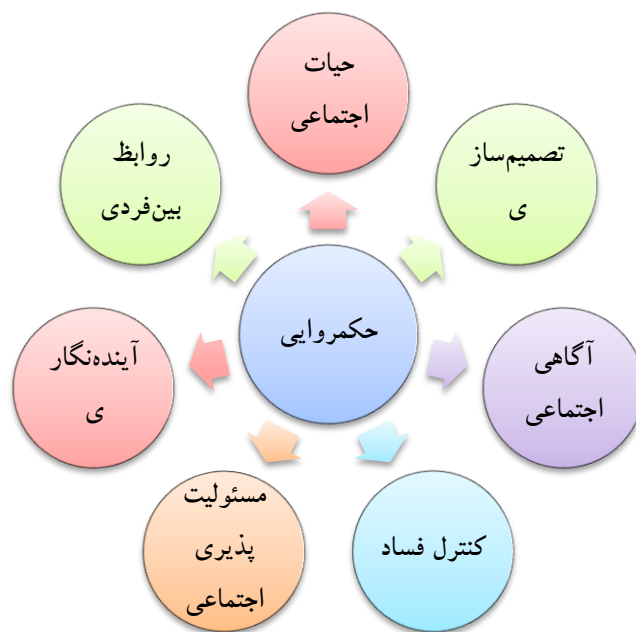
۵-۱-۷. آینده‌نگاری اجتماعی

آینده‌نگاری به معنای شناخت جامعه و چالش‌ها و فرصت‌های آن، پیش‌بینی شرایطی که جامعه با آن روبه‌رو خواهد شد و تجویز راهکارهایی است که در آینده، جامعه را از مشکلات نجات بخشد. آینده‌نگاری براین اساس استوار است که آینده در حال شکل‌گیری و ساخته شدن است و می‌توان به صورت فعالی در شکل‌دهی آن مؤثر بود. ارزش آینده‌نگاری اجتماعی در تصمیم‌گیری مشارکتی و عقل‌فرزانه است که قدرت پیش‌بینی و تصمیم‌گیری دلسوزانه دارد. آینده‌نگاری از نشانه‌های جوامعی است که رفاه بلندمدت انسان و سایر گونه‌ها در آن ارزش زیادی دارد. رفاه مفهومی بسیار فراتر از آن چیزی است که به صورت سنتی ممکن است به ذهن آید. حکمروایی می‌تواند، آینده‌نگاری دقیقی داشته باشد که بتواند درک پویا و عمیقی از ارزش‌های واقعی و اجتماعی داشته باشد. آینده‌نگاری سبب تصمیم‌سازی مطلوب حکمروا می‌شود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۴۳۱-۴۵۳).

انبیا و ائمه اطهار^{علیهم‌السلام}، با شناخت صحیحی که از مسیر حیات بشریت دارند، می‌توانند بسیاری از فرصت‌ها و چالش‌های روبه‌روی جوامع را پیش‌بینی کنند و برای سعادت جوامع، راهکارهای مناسبی را تجویز کنند. اینکه ایشان مسیر زندگی جوامع و بشریت را تنها، حیات دنیوی نمی‌دانند و تنها رفاه انسان در این زندگی دنیوی را مدنظر قرار نمی‌دهند، بی‌تردید شکل متفاوتی از حکمروایی را به‌دنبال خواهد داشت (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۱، ص ۸۸-۶۴)، اما

باید توجه داشت امروزه، قدرت آینده‌نگاری حکمروا را یکی از شاخص‌های مهم حکمروایان می‌دانند و این شاخصه، می‌تواند برتری حکمروایی انبیا و امامان علیهم‌السلام را اثبات کند. این موضوع را می‌توان از گفتگوی اعرافیان با دوزخیان دریافت. سرزندی که برپایه گفتگوی انبیا با ایشان در حیات دنیوی است. اینکه رحمت و فضل و نعمات دائم و پایدار و به عبارت دیگر رفاه واقعی بشریت، در چه صورت، شامل حال جامعه می‌شود. اگر چه دوزخیان این موضوع را در حیات دنیوی نپذیرفته‌اند، اما این گفتگو حکایت از آینده‌نگاری اعرافیان برای جوامع و امت‌هایشان در حیات دنیوی و پیش از وقوع قیامت دارد. اعرافیان، می‌دانند انجام چه کارهایی سبب رفاه همیشگی جامعه در دنیا و آخرت شده و چه اعمالی این رفاه و سلامت فرد و جامعه را به خطر می‌اندازد و این موضوع را می‌توان از دلالت التزامی گفتگوی اعرافیان با جهنمیان دریافت.

نمودار (۱): شاخص‌های حکمروای خوب در آیات ۴۶-۴۸ سوره اعراف



نتیجه

۱. آیه‌های ۴۶-۴۸ سوره اعراف، یکی از چالش‌های تفسیری قرآن کریم است. درباره مصداق اعرافیان، بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد. مفسران شیعه، اغلب ایشان را انبیا و اهل بیت علیهم‌السلام می‌دانند و اهل سنت بیشتر، ایشان را قومی می‌دانند که گناهان و اعمال نیک ایشان برابر است و صلاحیت ورود به بهشت را ندارند. در پژوهش‌های انجام شده، بیشتر اهتمام مفسران مصروف تعیین مصداق اعرافیان شده است؛

۲. اعراف، از ریشه عُرف است. مفهوم ریشه‌ای این واژه بلندی و ارتفاع است، اما در زبان دینی برای جایگاه قاضی و حاکم کاربرد داشته است. ریشه‌شناسی این واژه نشان می‌دهد، اعراف، مکان بلند و دارای شأنی است که حاکمان شایسته در آن حضور دارند.

۳. این پژوهش با استفاده از روش تفسیر ساختاری، تلاش کرد، تا افزون بر تعیین مصداق اعرافیان، دلیل این گفتگو را با استفاده از سیاق آیات و غرض سوره پیدا کند. تحلیل محتوایی این سوره نشان می‌دهد موضوع حیات اجتماعی، غرض سوره اعراف یا یکی از موضوعات اصلی این سوره است.

۴. مهم‌ترین جنبه حیات اجتماعی که تمام جنبه‌های دیگر حیات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مسئله حکمروایی است. این نگرش با نوع حکمرانی و مبنای مشروعیتی که در جوامع سنتی برای حاکم شناخته می‌شود، متفاوت است، اما این دو موضوع با هم تناقضی ندارد. از نگاه قرآن کریم، حاکم هم می‌تواند مشروعیت خود را از طریق انتخاب و اصطفاء خداوند دریافت کند و هم صلاحیتی که در اثر روابط اجتماعی برای حکمروا به وجود می‌آید را داشته باشد.

۵. آیه‌های ۴۶-۴۸ سوره اعراف، مسئله تناقض حکمروای خوب در جامعه‌شناسی با حکمران دینی را برای همیشه حل می‌کند و نشان می‌دهد برگزیدگان خداوند یا همان اعرافیان با اینکه از طریق انتخابات سیاسی به رهبری نرسیده‌اند، اما تمام شرایط حکمروای خوب را دارا هستند و هیچ انتخابات اجتماعی و سیاسی نمی‌تواند به اندازه انتخاب الهی، سبب رشد حیات اجتماعی شود؛

۶. حکمروا در بین جامعه‌شناسان باتوجه به تفاوت رویکردها، باید دارای شاخص‌های متفاوتی باشد. باتوجه به آیه‌های ۴۸-۴۶ اعراف، می‌توان از میان شاخص‌های مطرح‌شده به‌وسیله جامعه‌شناسان برای حکمروای خوب، شاخص‌های حمایت و دلسوزی، روابط بین فردی، آگاهی اجتماعی، آینده‌نگاری، مسئولیت‌پذیری، تصمیم‌سازی و کنترل فساد، را برای اعرافیان شناسایی کرد؛

۷. رشد جامعه با وجود حکمروای خوب امکان‌پذیر است. خداوند بر اساس علم خود، فردی را برای حکمروایی جامعه انتخاب کرده است که دارای روابط اجتماعی بسیار قوی بوده و دلسوزی، تعهد، صداقت، پشتکار و قدرت کافی برای کنترل فساد را برای اداره جامعه دارا هستند.

منابع

۱. ابن جزى، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق). التسهيل لعلوم التنزيل. بيروت: دارالارقم.
۲. ابن دريد، محمد بن حسن (۱۹۸۹). جمهرة اللغة. بيروت: دارالعلم الملايين.
۳. ابن سيده، على بن اسماعيل (۱۴۲۱ق). المحكم والمحيط الاعظم. بيروت: دارالكتب العلمية.
۴. ابن عطيه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲). المحرر الوجيز في تفسير كتاب الله العزيز. بيروت: دارالكتب العلمية.
۵. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسير القرآن العظيم. بيروت: دارالكتب العلمية.
۶. ابى سعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳). تفسير ابى سعود. بيروت: داراحياء التراث العربى.
۷. اخوان مقدم، زهر و همكار (۱۳۹۹). «چيستى أعراف و أعرافيان». پژوهش های نوین در آموزه های قرآن و سنت. ش ۵. ص ۱۱۴-۱۱۶.
۸. ارمى علوى، محمد بن امين عبدالله (بى تا). تفسير حدائق الروح والريحان. بيروت: دار طوق النجاة.
۹. استرآبادى، محمد بن على (بى تا). آيات الاحكام. تهران: نشر معراجى.
۱۰. اكبرنژاد، مهدى و همكار (۱۳۸۹). «مفهوم شناسى أعراف و أعرافيان». پژوهش های قرآن و حديث. ش ۱. ص ۱۱-۳۰.
۱۱. اميدى، مهدى (۱۳۸۹). «مبانى انسان شناختى فلسفه سياسى». حكومت اسلامى. ش ۳. ص ۱۰۹-۱۲۸.
۱۲. آستين فشان، ثريا و همكاران (۱۳۹۶). «واكاوى تأثير آگاهى هاى اجتماعى بر توانمندسازى». زن و جامعه. ش ۴. ص ۱۰۳-۱۲۵.
۱۳. بستانى، فؤاد افرام (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدى. تهران: اسلامى.
۱۴. بهرامى، محمد باقر و همكاران (۱۳۹۹). «حاکميت قانون و پیامدهاى حکمرانى خوب». انجمن مطالعات جهان اسلام. ش ۴، ص ۲۹-۴۷.
۱۵. بهروزى لک، غلامرضا (۱۳۹۶). «ماهيت استرشادى فطرى حيات اجتماعى».

- سیاست متعالیه. ش ۱۷، ص ۴۴-۳۳.
۱۶. پورمعصوم، علی اصغر (۱۳۸۸). «کانون‌های تفکر و نقش آن در تصمیم‌گیری مدیران». راهبرد. ش ۱۷، ص ۲۴۷-۲۵۹.
۱۷. پولانیک، کریستین (۱۳۸۳). راهنمای زندگی اجتماعی. تهران: نشر هوای تازه.
۱۸. توکلی، علیرضا و همکار (۱۴۰۰). «الگوی حکمروایی سرآمد». گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی. ش ۴، ص ۲۶۷-۲۸۸.
۱۹. جاودان، مجتبی و همکاران (۱۳۹۸). «تحلیلی بر چرخه حیات اجتماعی». برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری. ش ۳، ص ۱۴۱-۱۶۹.
۲۰. چگینی، رسول (۱۳۹۶). «مقایسه تطبیقی منابع معرفتی تفسیر قرآن فریقین». مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث. ش ۹، ص ۱۱۵-۱۴۸.
۲۱. حسن جبل، حسن (۲۰۱۰). المعجم الاشتقاقی المؤصل لألفاظ القرآن الکریم. قاهره: مکتبة الآداب.
۲۲. حسینی، بی‌بی زینب و همکار (۱۳۹۷). «اثبات ولایت امیرالمؤمنین (ع) در سوره مائده با استفاده از روش تفسیر ساختاری». امامت پژوهی. ش ۲۳، ص ۸۳-۱۱۵.
۲۳. حنفی، عبدالمنعم (۲۰۰۴). موسوعة القرآن العظیم. قاهره: مکتبة مدبولی.
۲۴. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
۲۵. خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵). تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۶. خطیبی نژاد و همکاران، محمدرضا (۱۳۹۷). «تاریخ‌مندی انقلاب اسلامی بررسی تأثیر ارزش‌های کانونی بر حیات اجتماعی». پژوهش‌های راهبردی. ش ۲۴، ص ۹-۳۸.
۲۷. خوش‌نیت و همکار، غلامرضا (۱۳۹۷). «نقش مهارت روابط بین فردی در زندگی اجتماعی». سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت. ش ۳، صص ۱۴۵-۱۵۳.
۲۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۵). حکمرانی حکیمانه. تهران: دریا.
۲۹. دین‌پرور، جمال‌الدین (۱۳۹۴). آیین حکمروایی. تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
۳۰. راحتی بلاباد، مهناز و همکاران (۱۴۰۲). «تحلیل ساختاری سوره اعراف». قرآن‌شناخت. ش ۱، ص ۷۸-۵۹.
۳۱. رزاقی، هادی و همکاری (۱۴۰۰). «ایجاد محیط تربیتی مساعد و تأثیر آن در بهبود

خوانشی جدید از سوره أعراف با تأکید بر مؤلفه حکمروایی در حیات اجتماعی

- تربیت با تأکید بر سوره أعراف». مطالعات قرآنی. ش ۴۵. ص ۱۹۷-۲۲۱.
۳۲. رضا، رشید (۱۴۱۴). تفسیر القرآن المسمی بالمنار. بیروت: دارالمعرفة.
۳۳. روحی برندق، کاوس و همکاران (۱۳۹۷). «ارزیابی دیدگاه مفسران در تعیین مصداق رجال أعراف». مطالعات قرآن و حدیث. ش ۲. ص ۵-۳۰.
۳۴. روسو، ژان ژاک (۲۰۱۳). العقد الاجتماعي. ترجمه زعیترو. مصر: هنداوی.
۳۵. زحیلی، وهبة (۱۴۲۷). التفسیر الوسیط. دمشق: دارالفکر.
۳۶. سبحانی، جعفر (۱۴۱۲). الالهیات. قم: مرکز الدراسات الاسلامیة.
۳۷. سبحانی، جعفر (۱۴۲۱). اضواء علی عقائد الشیعة الامامية. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۳۸. سلمانزاده، جواد (۱۳۹۹). «روش موضوعیابی در سوره‌ها». مطالعات سبک‌شناسی قرآن. ش ۴. ص ۳۸-۵۵.
۳۹. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق). التفسیر السمرقندی. بیروت: دارالفکر.
۴۰. سنجولی‌نژاد، طیب و همکار (۱۴۰۰). «کارکردهای عقل اجتماعی». معرفت‌شناختی. ش ۲۱. ص ۷۵-۹۹.
۴۱. سند، محمد (۱۴۲۸). فی رحاب الزیارة الجامعه الکبیره. قم: وفا.
۴۲. سووی، آلفرد (۱۳۴۳). نقش افکار عمومی در زندگی اجتماعی. ترجمه شیرازی. تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.
۴۳. سیدقریشی، ماریه (۱۳۹۸). «تحلیل نقش دلسوزی در متقاعدسازی مخاطب». اخلاق پژوهی. ش ۵. ص ۱۰۵-۱۲۲.
۴۴. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ع).
۴۵. شیخی، محمدحسین و همکاران (۱۳۹۷). «مبانی حمایت اجتماعی در اسلام». اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. ش ۲. ص ۳۷-۵۴.
۴۶. صادقی‌تهرانی، محمد (۱۴۳۲ق). الفرقان فی تفسیر القرآن. قم: فرهنگ اسلامی.
۴۷. صبان، محمد بن علی (بی‌تا). حاشیة الصبان. بیروت: مکتبة العصرية.
۴۸. صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۶۱). تفسیر القرآن العظیم. قم: بیدار.
۴۹. صدوق، ابن بابویه (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: جامعه مدرسین.
۵۰. طاهری، مسلم و همکاران (۱۳۹۴). «فرایند معناجویی زندگی و نقش آن در حیات اجتماعی». پژوهش‌های فلسفی کلامی. ش ۳. ص ۷۵-۹۲.

۵۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة اعلمی للمطبوعات.
۵۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان. تهران: ناصر خسرو.
۵۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). الجامع البیان. بیروت: دارالمعرفة.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۵. عیوضی، محمد رحیم و همکاران (۱۳۹۶). «از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار». راهبرد. ش ۸۵. ص ۸۵-۵۵.
۵۶. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۵). تفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین. قم: نشر هجرت.
۵۸. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۵۹. فعالی، محمد تقی (۱۳۹۴). سبک زندگی رضوی. مشهد: انتشارات بنیاد امام رضا علیه السلام.
۶۰. فقیه ایمانی، محمد رضا (۱۴۰۰). «رابطه تربیت الهی و حیات اجتماعی». آموزه‌های تربیتی در قرآن. ش ۱۸. ص ۷۰-۸۶.
۶۱. فقیهی، سیده فاطمه (۱۳۹۳). «اصول تصمیم‌سازی». پژوهش‌های انقلاب اسلامی. ش ۱۰. ص ۹۵-۱۲۴.
۶۲. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۶۳. قطب، سید (۱۴۲۵). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۶۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر القمی. قم: دارالکتاب.
۶۵. قنبری، میلاد و همکاران (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی آینده‌پژوهی». آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی. دوره چهارم. ص ۱۶۱-۱۹۵.
۶۶. قهاری کرمانی، محمد هادی (۱۴۰۱). «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرالمؤمنین (ع) در سوره اعراف». کوثر. ش ۷۱. ص ۴۳-۶۰.
۶۷. کاظمیان، غلامرضا و همکاران (۱۴۰۰). «مدل متناسب حکمروایی». پژوهش و برنامه‌ریزی شهری. ش ۴۴. ص ۷۴-۵۵.
۶۸. کرمی، محمد (۱۴۰۲). التفسیر لکتاب المنیر. قم: انتشارات علمیه.
۶۹. لایک، جان (بی‌تا). الحکومة المدنية. ترجمه شونی. بیروت: اعلانات الشرقية.
۷۰. مجدآبادی، زهره (۱۳۹۵). «حمایت اجتماعی». پژوهش‌های روان‌شناختی. ش ۱.

ص ۷-۲۳.

۷۱. محرم‌خانی، فریبرز (۱۳۸۹). «بررسی آراء فلسفی - سیاسی عادل ضاهر». پژوهش سیاست نظری. ش ۸. ص ۱۲۷-۱۴۰.
۷۲. محمدرضایی، علیرضا و همکاران (۱۴۳۶). «الوحدة الموضوعية في سورة الاعراف». مجلة اللغة العربية. ش ۴. ص ۶۲۳-۶۴۴.
۷۳. محمدزاده، علی و همکاران (۱۳۹۳). «بررسی رابطه هوش اجتماعی با سبک‌های دلبستگی». پژوهش روان‌شناسی اجتماعی. ش ۱۵. ص ۸۵-۹۶.
۷۴. مرادپوردهنوی، امیرحسین (۱۳۹۷). «بررسی روش‌شناسی و معرفت‌شناسی اندیشه سیاسی». پژوهش ملل. ش ۳۸. ص ۵۱-۵۶.
۷۵. مرادی، ابراهیم و همکار (۱۳۹۶). «تأثیر شاخص‌های حکمران خوب بر کنترل فساد». اقتصاد مقداری. ش ۴. ص ۱۵۱-۱۸۲.
۷۶. مراغی، احمد مصطفی (۱۳۷۱). تفسیرالمراغی. بیروت: دارالفکر.
۷۷. مستأجرانی‌گورکانی، علی و همکاران (۱۴۰۲). «زیست اجتماعی بر اساس مختصات عقلانیت». اندیشه دینی. ش ۸۶. ص ۱۰۹-۱۲۸.
۷۸. مشکینی، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۸). «آینده‌نگاری حکمروایی». پژوهش‌های جغرافیایی. ش ۳. ص ۴۳۱-۴۵۳.
۷۹. مصلاهی‌پور یزدی، عباس و همکاران (۱۳۹۵). «أعراف از منظر مفسران فریقین». مطالعات تقریبی بین مذاهب. ش ۴۶. ص ۲۳-۶۸.
۸۰. مک، جان آرتور (۲۰۲۰). ترجمه تفسیری عهد عتیق. گرک: بی‌نا.
۸۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). تفضیل امیرالمؤمنین (ع). قم: دارالمفید.
۸۲. موسوی جشتی، سیدصدرالدین و همکار (۱۴۰۲). «الگوی مردم‌سالاری دینی». سیاست اسلامی. ش ۷۱. ص ۷۰-۹۰.
۸۳. مهتدی، حسین (۱۳۹۶). «بررسی شباهت‌های گفتگوی انبیا در سوره أعراف». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. ش ۱. ص ۱۸۹-۲۰۶.
۸۴. میرزایی‌نیا، حسن و همکاران (۱۳۹۷). «معناشناسی معادل‌های واژگانی "جامعه"». مطالعات متون ادبی اسلامی. ش ۱. ص ۷۵-۹۸.
۸۵. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۹۱). «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی». راهبرد.

- ش ۳۱. ص ۸۸-۶۴.
۸۶. نخعی، اصغر (۱۳۴۱). اهمیت دین در زندگی اجتماعی. مشهد: انتشارات طوس.
۸۷. نظام اعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۸۸. نظم‌فر، حسین و همکاران (۱۳۹۹). «جایگاه حکمروایی مطلوب». راهبرد مجلس. ش ۱۰۴. ص ۲۸۹-۲۶۵.
۸۹. نووی، محمد (۱۴۱۷ق). مراح اللبید لکشف معنی القرآن المجید. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹۰. ولدبیگی، جهانگیر و همکار (۱۴۰۰). «خوانشی بر اصحاب اعراف». مطالعات قرآنی. ش ۴۷. ص ۲۵۳-۲۲۵.
۹۱. یوسفی، محمدرضا و همکار (۱۳۹۷). «استخراج مؤلفه‌های حکمرانی خوب». پژوهشنامه نهج البلاغه. ش ۲۱. ص ۱۳۵-۱۱۵.
92. Gesenius, William (1906). *Hebrew and English Lexicon of The Old Testament*. New York: Oxford, 1906.
93. Davidson, Samuel (1885). *Hebrew and Chaldean Lexicon*. London: Brown and Trenchard.
94. Benner, Jeff A (2005). *The Ancient Hebrew Lexicon of the Bible*. Philadelphia: University of Pennsylvania.
95. Bahlul, Hassan (1901). *Lexicon Syriacum*. Paris: university_of_toronto.
96. Michaels, Joannes David (1788). *Lexicon Syriacum*. Paris: Pirima.
97. Nolan, Lawrence (2015). *The Cambridge Descartes Lexicon*. Cambridge: California State.
98. Pike, Samuel (1811). *A Compendious Hebrew Lexicon*. Cambridge: Harvard.